

اعتبارسنجی مدل خط‌مشی‌گذاری شفافیت تخصیص منابع بانکی: شواهدی از شرکت‌های دانش بنیان

غلامرضا صیبری

دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

اعظم بابکی راد*

استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

سیدوحید شالباف یزدی

استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

<https://doi.org/10.22067/mfe.2025.91678.1499>

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

با توجه به جایگاه نظام بانکی در سیستم اقتصادی کشور و سهم بسزای بانک‌ها در جذب منابع مالی، انتظار می‌رود عملکرد سیستم بانکی تأثیر شگرفی بر اقتصاد داشته باشد. اگر جذب منابع مالی توسط بانک‌ها منجر به تخصیص منابع در راستای تقویت صنعت و تولید شود، می‌تواند به شکوفایی اقتصادی کمک کند. لذا هدف پژوهش حاضر اعتبارسنجی مدل خط‌مشی‌گذاری شفافیت تخصیص منابع بانکی در شرکت‌های دانش بنیان ایران است. استراتژی تحقیق پیمایشی و روش پژوهش کمی است. جامعه‌ی آماری پژوهش مدیران شرکت‌های دانش بنیان خراسان رضوی به تعداد ۴۵۷ نفر بوده، که از این تعداد ۲۱۰ نفر بعنوان نمونه‌ی آماری به روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار تحقیق شامل پرسشنامه محقق ساخته با ۱۳۰ گویه می‌باشد. برای تحلیل داده‌ها از رویکرد حداقل مربعات جزئی و نرم‌افزار پی‌ال‌اس استفاده شده است. یافته‌های تحقیق در مدل مورد نظر شامل ۶ مقوله عوامل علی، محوری، استراتژی‌ها، پیامدها، زمینه و مداخله‌گرها و ۱۵ مولفه استقلال اقتصادی، سیاسی، قانونی، اثربخشی در کیفیت اطلاعات و اثربخشی در دسترسی به اطلاعات، نظارت پویا، استفاده از سامانه‌های پایه و کاربردی، تخصیص شفاف مبتنی بر دارایی و سرمایه‌گذاری، تخصیص منابع شفاف مبتنی بر بدهی جایگزین، شکوفایی اقتصاد دانش محور، توسعه اشتغال، سیاست‌های حمایتی، اقتصاد دانش بنیان، چالش‌های پیاده‌سازی خط‌مشی‌گذاری و چالش‌های شرکت‌های دانش بنیان می‌باشند. نتایج برآورد رگرسیون رابطه مثبت و معنادار بین مولفه‌های (استقلال اقتصادی، سیاسی، قانونی، اثربخشی در کیفیت اطلاعات و اثربخشی در دسترسی به اطلاعات، نظارت پویا، استفاده از سامانه‌های پایه و کاربردی، تخصیص شفاف مبتنی بر دارایی و سرمایه‌گذاری، تخصیص منابع شفاف مبتنی بر بدهی جایگزین، شکوفایی اقتصاد دانش محور، توسعه اشتغال، سیاست‌های حمایتی اقتصاد دانش بنیان) و خط‌مشی‌گذاری شفافیت تخصیص منابع به شرکت‌های دانش بنیان را نشان می‌دهد. از اینرو، یافته‌های این مطالعه تأکید می‌کند که شناسایی عواملی که باعث می‌شود خط‌مشی‌گذاری شفافیت تخصیص منابع بانکی ایران

* نویسنده مسئول: babaki.rad@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۶

صفحات: ۴۵-۷۵

تقویت شود، می‌تواند در فرآیند بهبود جایگاه شرکت‌های دانش بنیان مفید واقع شود. یافته‌ها نشان داد که مدلی مذکور از اعتبار لازم برخوردار است.

کلیدواژه: عملکرد مالی، بازده سهام، تامین مالی، ساختار سرمایه

مقدمه

در عصر اطلاعات، اقتصاد دانش بنیان یکی از اساسی‌ترین راهبردهای توسعه اقتصادی کشورها در نظر گرفته شده است. به طوری که، برخی کشورهای در حال توسعه همگام با روند رو به رشد اقتصاد دانش محور، پیش رفته‌اند و اقتصاد آن‌ها هر روزه دچار تغییرات وسیعی شده است (Nesello & Fachinelli, 2020). اقتصاد این کشورها بیشتر بر محور بنگاه‌های کوچک و متوسط بنا شده است. به نحوی که حجم وسیعی از فعالیت بنگاه‌های فعال در این کشورها و حتی کشورهای توسعه یافته اروپایی و ژاپن را بنگاه‌های کوچک و متوسط تشکیل می‌دهند که می‌توان آن را یکی از علل پیشرفت سریع تکنولوژی در دهه‌های گذشته به حساب آورد (Safardoust et al., 2021). این دگرگونی‌ها، نوعی تغییر الگو و فاصله گرفتن از نمونه‌های قدیمی مبتنی بر فرآورده‌های فیزیکی را به همراه دارد. در این میان تمامی کشورهای صنعتی در حال توسعه نیز با سرعت هر چه تمام‌تر به سمت دنیای دانش و اطلاعات پیش می‌روند و به ساختارهای دانش نوین و عصر اطلاعات تکیه دارند (Ghasemi et al., 2018). در ایران نیز وقوع این دگرگونی و تغییر به خوبی مشهود است. با توجه به رویکرد سند برنامه چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴، تمامی سازمان‌ها و نهادهای اجرایی و تخصصی به دنبال دانش پیشرفته، توانایی در علم و فناوری، متکی بر سهم برتر سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی و ارتقاء جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی می‌باشند (Dadgar et al., 2019). مهم‌ترین هدف برنامه چهارم توسعه، توسعه اقتصادی مبتنی بر دانش یعنی اقتصاد دانش محور است.

جامعه‌ای که توسعه در آن بر پایه اقتصاد دانش محور باشد، علاوه بر اینکه دارای منابع فراوانی است و بر خلاف سایر منابع که بعد از مدت زمانی که از آن‌ها استفاده می‌شود، پایان می‌پذیرند، همواره در حال گسترده‌گی و نوآوری است (Roodari et al., 2018). تحول در پدیده اشتغال، یکی دیگر از مشخصه‌های اقتصاد دانش بنیان است. در این نوع اقتصاد برای دولت این فرصت فراهم می‌آید که از دانش سایر کشورها، تجارب و کسب و کار آن‌ها استفاده کند و افراد جامعه خواهان پذیرش و به کارگیری ایده‌ها و فناوری‌های جدید می‌شوند. اقتصاد دانش محور فرصت‌های جدیدی را برای سرمایه‌گذاری در صنایع موجود و خلق صنایع جدید ایجاد می‌کند (Fahiminia, 2022). در این میان، نقش شرکت‌های دانش بنیان

قابل توجه است. شرکت‌های دانش بنیان، شرکت‌هایی هستند که با خلق دانش، توسعه فناوری‌های جدید و تطبیق دانش جهانی با زمینه‌های محلی در هدایت توسعه پایدار عمل می‌کنند (Fotoohi, 2024; Fartash et al., 2022). از اینرو، شرکت‌های مذکور با کمک دانش و نوآوری بدون نیاز به سرمایه‌ی هنگفت، نقش مهمی در افزایش تولید، بهره‌وری، اشتغال‌زایی و توسعه اقتصادی ایفا می‌نمایند.

یکی از مهمترین عوامل در راه‌اندازی، تکامل و رشد شرکت‌های دانش بنیان، موضوع تخصیص بهینه و شفاف منابع است. بانک‌ها با درک نقش ویژه شرکت‌های دانش بنیان می‌توانند با حمایت از این شرکت‌ها، به رشد و توسعه آن‌ها و بدنبال آن توسعه اقتصادی جامعه کمک کنند. علی‌رغم تأکیدات فراوان بر حمایت از اقتصاد دانش بنیان اما در حال حاضر، مشارکت بانک‌ها در تخصیص منابع به شرکت‌های دانش بنیان ناچیز است. بهر حال، گرچه اقداماتی هر چند کوچک انجام شده است اما منابع تخصیص داده شده و مسیر تخصیص این منابع از سمت نهادهای مالی خصوصاً بانک‌ها شفاف نیست، به این معنا که نحوه تخصیص این منابع به این شرکت‌ها روشن نیست و در هاله‌ای از ابهام قرار دارد (Haji Asghari et al., 2019). در تخصیص منابع به شرکت‌های دانش بنیان، مؤسسات مالی و بانکی نقش کمرنگی دارند. بالا بودن سود تسهیلات، وثیقه‌های سنگین مورد نیاز، بالا بودن میزان مبلغ درخواستی و آینده مبهم سرمایه‌گذاری در شرکت از جمله موانع پیش‌روی شرکت‌های دانش بنیان در استفاده از منابع تخصیص داده شده بانکی است. بدیهی است که مشارکت بیشتر بانک‌های دولتی و خصوصی موجب اتفاقات بسیار مثبتی در حوزه شرکت‌های دانش بنیان خواهد شد (Hosseini et al., 2021).

مشارکت بانک‌ها در تخصیص منابع مالی به شرکت‌های دانش بنیان بسیار اندک و حدود ۱۷/۵ درصد می‌باشد. به علاوه، شیوه تخصیص این منابع نیز شفاف نمی‌باشد (Suliamany & Rezvani, 2023). با توجه به دلایلی که بیان شد برای مشکل عدم شفافیت در تخصیص منابع به دانش بنیان‌ها توسط بانک‌ها، به سه لایه اقدامات نیاز است. لایه اول نیاز به یکسری اقدامات سیاستی برای حل مشکل است، در لایه دوم یکسری اصلاحات ساختاری‌تر در راستای شفاف‌سازی تخصیص منابع مالی در نظام بانکی نیاز است و در لایه سوم نیز یکسری اصلاحات بنیادی در هر دو جنبه سیاست‌گذاری و تخصیص منابع به صورت شفاف نیاز است تا مسائل حل شود. بنابراین پیش از آغاز اصلاح نظام بانکی مقدمات و پیش نیازهایی باید فراهم شود (Sharifnia et al., 2022). در نهایت با توجه به مباحث گفته شده تدوین خط‌مشی در خصوص شفافیت تخصیص منابع پولی و مالی در ارتباط با شرکت‌های دانش بنیان می‌تواند نقش موثری در بهبود و رفع مشکلات بانک‌ها در تخصیص بهینه منابع بانکی داشته باشد (Bayati et al., 2021). خط‌مشی‌ها، یکی

از انواع برنامه‌ها هستند. خط‌مشی‌ها بیانیه‌ها یا تفاهات کلی هستند که اندیشه و کنش مدیران را در راه تصمیم‌گیری هدایت می‌کنند (Beblový et al., 2022). خط‌مشی تصمیمی است که در قبال یک مشکل عمومی اتخاذ می‌شود، اما باید در نظر داشت خط‌مشی صرفاً اتخاذ تصمیم نیست؛ بلکه فرآیندی است شامل تمام اقدامات که از زمان احساس مشکل شروع می‌شود و به ارزیابی نتایج حاصل از اجرای خط‌مشی ختم می‌شود (Imawan & Fathurrahman, 2022). تدوین خط‌مشی‌های مناسب برای انجام صحیح فعالیت دولت‌ها ضروری است (Wang et al., 2022). امروزه، تدوین خط‌مشی‌گذاری، عملیاتی نمودن، اجرا و ارزیابی و اصلاح آن، نیاز تمامی سازمان‌ها است (Efunniyi et al., 2024). از اینرو، خط‌مشی‌گذاری مناسب بانک‌ها در تخصیص منابع، شفافیت در فرآیندهای وام و توانایی رقابت در تصمیم‌گیری، ارائه راه‌حل‌های اعتباری مناسب، حفظ پایداری سیستم را در بلندمدت تضمین می‌کند (Sulastri et al., 2024).

صنعت بانکداری ایران به عنوان یکی از پایه‌های تاثیرگذار در اقتصاد کشور، نقش تعیین‌کننده‌ای در فعالیت‌های اقتصادی ایفا می‌کند. از این جهت میزان کارآیی و اثربخشی فعالیت‌های این صنعت نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد و پیشرفت اقتصاد کشور خواهد داشت. از آنجا که سیاست‌گذاری در هر عرصه‌ای بازتاب ارزش‌های یک جامعه محسوب می‌شود و بایستی در راستای آن ارزش‌ها تدوین شود. سیاست‌گذاری در راستای شفافیت تخصیص منابع مالی بانک نیز از این امر مستثنی نیست و نیازمند پیروی از الگوها و ارزش‌های حاکم بر جامعه است. فرآیند سیاست‌گذاری در بانک تلاشی است در جهت تحقق اهداف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که الزاما ارزش‌ها و عوامل سیاسی یک جامعه در آن دخیل است و موفقیت بانک‌ها به عنوان یک نهاد مالی و اقتصادی بستگی به نوع سیاست‌گذاری آن دارد. از یک سو، تدوین، اجرا، ارزیابی و اصلاح خط‌مشی‌گذاری از ضروریات جامعه است. از طرف دیگر، دانش مسئولان و مدیران ارشد جامعه از ضروریات تدوین خط‌مشی می‌باشد که نشان‌دهنده نقش و اهمیت آن در بهبود زندگی اجتماعی و تغییر در الگوهای رفتاری است. از نظر بسیاری از صاحب‌نظران، سلامت نظام بانکی در گرو شفافیت جذب و تخصیص منابع است (Sharifnia, 2023). بهر حال، در نظام بانکی ایران، خط‌مشی مشخصی در راستای حوزه تخصیص شفاف منابع مالی برای شرکت‌های دانش‌بنیان دیده نمی‌شود. از طرفی، یک مدل خط‌مشی‌گذاری مناسب منابع بانکی با تمرکز بر شرکت‌های دانش‌بنیان می‌تواند به توسعه تولیدات دانش‌بنیان‌ها کمک کند. بعلاوه، مدل خط‌مشی‌گذاری مناسب برای بانک با گسترش بازارهای جهانی و افزایش رقابت در بازارهای خدمات مالی، سودآوری این صنعت را تحت تاثیر قرار

دهد. در واقع، خط‌مشی‌های اقتصادی و سیاسی که از ایجاد و انتقال دانش حمایت می‌کنند، می‌توانند به استقرار محیطی سازمان‌یافته، که برای آینده رشد اقتصادی سودمند باشد، منجر شوند. با این حال، چالش بزرگی که نظام بانکی در فرآیند تدوین خط‌مشی در راستای شفافیت تخصیص منابع بانکی با آن مواجه است، چگونگی ارزشیابی خط‌مشی‌ها و برنامه‌هاست که خود ریشه در ضعف دانش فنی و نظری آن در نظام بانکی دارد. با وجود ساختار حاکم بر بانک‌ها و قوانین بانک مرکزی، شفافیت لازم برای تخصیص منابع مالی به این شرکت‌ها در ایران مهیا نبوده و بنا به نظر برخی از پژوهشگران نیاز به خط‌مشی گذاری در جهت شفاف نمودن تخصیص منابع مالی برای این شرکت‌ها وجود دارد زیرا یکی از مشکلات حوزه دانش بنیان، عدم تخصیص بهینه و شفاف منابع بانکی به فعالیت‌های این حوزه به دلیل عدم اولویت گذاری توسط سازمان برنامه و یا مدیران دستگاه‌هاست (Kheradyar et al., 2019). بعلاوه، از آنجا که در نظام بانکی ایران چرخه خط‌مشی گذاری به سرعت تدوین، اجرا و ارزشیابی می‌شوند. به نظر می‌رسد فرآیند خط‌مشی گذاری تخصیص منابع مالی در نظام بانکی بسیار سیاسی‌زده و پرشتاب و موقتی طی می‌شود، به طوری که به کیفیت خط‌مشی‌های تدوین شده توجه کافی صورت نمی‌گیرد. از اینرو، نظام خط‌مشی گذاری، شفافیت لازم در تخصیص منابع مالی را ندارد. طبیعتاً ایجاد شبکه در نظام خط‌مشی گذاری برای تخصیص منابع مالی به صورت شفاف برای شرکت‌های دانش بنیان، مستلزم وجود بسترها و شرایطی است که امکان فعالیت موثر آن‌ها را فراهم سازد. مهمترین عامل تعیین کننده در این مورد وجود یک چهارچوب فکری (مدل) نهادینه شده جهت مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و احترام به خرد جمعی است. با این حال، تحقیقات قبلی به این مورد توجه کافی نداشتند. برای پرکردن این شکاف و ارائه توصیه‌های عملی برای سیاست‌گذاران، رهبران صنعت و سایر ذینفعان، هدف این مطالعه، اعتبارسنجی مدل خط‌مشی گذاری شفافیت تخصیص منابع بانکی ایران با تمرکز بر شرکت‌های مبتنی بر دانش است. یافته‌های تجربی این مطالعه، علاوه بر بهبود سیستم تخصیص منابع بانک، با حمایت از شرکت‌های مبتنی بر دانش و نوآوری به توسعه اقتصادی کشور نیز کمک می‌کند.

مبانی نظری تحقیق

تأمین مالی شرکت‌های دانش بنیان

تأمین مالی به معنای تأمین سرمایه مورد نیاز کسب و کارها، مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران به منظور دستیابی آنان به اهداف خود است. در واقع هدف تأمین مالی، سرمایه‌گذاری، سودآوری، کاهش ریسک

و برطرف کردن نیازهای اقتصادی و اجتماعی کسب و کار می‌باشد (Azizi & Malayjerdi, 2017). شرکت‌های دانش بنیان، با تبدیل ایده‌های جدید به محصولات و خدمات جدید و ارائه آنان به بازار و فراهم آوردن بستر نوآوری، نقش مهمی در چرخه اقتصاد دانش بنیان و افزایش درآمد سرانه کشور دارند. از طرف دیگر، این شرکت‌ها به عنوان منبع اصلی نوآوری، در تأمین مالی و افزایش سرمایه خود دارای مشکلات فراوانی هستند. به نوعی که می‌توان تأمین مالی مناسب را یکی از مهم‌ترین چالش‌های بقا و رشد این شرکت‌ها دانست. شرکت‌های دانش بنیان در هر یک از مراحل چرخه حیات خود، از لحاظ سطح ریسک و بازدهی، ویژگی خاصی دارند. لذا، تأمین مالی این شرکت‌ها در هر یک از مراحل چرخه عمر خود متفاوت است (Kashian & Bayat, 2019). طیف گسترده‌ای از روش‌های تأمین منابع مالی وجود دارد. سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^۱ (۲۰۱۵) روش‌های تأمین مالی شرکت‌ها را بر اساس میزان ریسک و بازدهی به چهار گروه: تأمین مالی مبتنی بر دارایی^۲، مبتنی بر بدهی جایگزین^۳، ابزارهای ترکیبی^۴ و روش‌های مبتنی بر حقوق صاحبان سهام^۵ تقسیم‌بندی کرده است (Ghazinoori et al., 2017). در هر کشوری دولت و نهادهای عمومی تلاش می‌کنند با فراهم آوردن زیرساخت‌ها، راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک جدید، نوپا و کارآفرینانه را تسهیل نمایند. یکی از این زیرساخت‌های لازم، کمک‌های مالی و ارائه تسهیلات و سرمایه‌گذاری لازم برای این نوع از شرکت‌ها می‌باشد (Naghizadeh et al., 2018).

شفافیت نظام بانکی

برطبق تعریف صندوق بین‌المللی پول، شفافیت به مفهوم ایجاد محیطی است که در آن، اهداف سیاست‌گذاری و حقوقی، چارچوبی مرتبط با سیاست‌های پولی و مالی و شرایط پاسخگویی مؤسسات فراهم آورده باشد. به طوری که به طور جامع، قابل دسترس و زمان‌بندی شده، در اختیار عموم قرار گیرد (Sattari et al., 2019). شفافیت بانکی، اغلب به وجود اطلاعات متقارن بین بانک‌ها و بخش خصوصی تعریف می‌شود و درجه شفافیت بانک، معمولاً با میزان اطلاعات منتشر شده برای عموم اندازه‌گیری می‌شود. بنابراین، ارائه اطلاعات بیشتر توسط بانک، موجب درجه بالاتری از شفافیت می‌شود. با افزایش شفافیت، نااطمینانی در مورد درک اقتصادی سیاست‌گذاران کاهش می‌یابد که این موضوع، به کاهش خطاهای پیش‌بینی و تغییرپذیری انتظاری منجر می‌شود (Ehsani et al., 2019). دو دلیل عمده برای

¹ Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

² Asset-based finance

³ Alternative debt

⁴ Hybrid instruments

⁵ Equity instruments

افزایش شفافیت بانک‌ها وجود دارد. شفافیت می‌تواند به عنوان جنبه دیگر استقلال بانک تلقی شود (Weber, 2019). بعلاوه، شفافیت بانک زیرساخت جالبی است که به عنوان محصول غیرمستقیم تعامل افشای بانک و محرک‌های متعاملین بازار به وجود می‌آید (Abdo Tabrizi et al., 2022). سلامت نظام بانکی در گروی شفافیت جذب و تخصیص منابع است.

تعریف، فرآیند اجرا و انواع مدل‌های خطمشی گذاری

اندرسون معتقد است، خطمشی بیانگر مجموعه اقدام‌های به نسبت ثابت و هدفمند است که به وسیله یک فرد یا مجموعه‌ای از بازیگران برای پرداختن به یک مسئله یا دغدغه دنبال می‌شود. خطمشی، یک برنامه عمومی است و مشخص‌کننده محدوده‌ای تعریف شده است که تصمیمات آتی باید در داخل آن گرفته شوند (Amarasinghe et al., 2023). در واقع، خطمشی گذاری شامل تصمیمات سازمان است که بازتابی از ارزش‌ها، اولویت‌ها و راهبردهای کلان آن است و در قالب قوانین و مقررات و دستورالعمل‌ها شناخته می‌شود (Weible et al., 2020). خطمشی گذاری یا همان سیاست‌های سازمان را مدیریت ارشد سازمان تعیین می‌کند و با تدوین سیاست‌های کلان سازمان از بروز هرگونه تضاد یا تعارض درون سازمانی جلوگیری می‌شود. به عبارتی بهتر در خطمشی گذاری شیوه اندیشیدن و مسیر تفکر اعضای سازمان مشخص می‌شود (Dergiades et al., 2020). تمرکز اصلی خطمشی، بررسی تعامل با جامعه است که در مراحل شناخت مسئله، طراحی، تدوین و پیاده‌سازی، ارزیابی و اصلاح می‌شود (Daraei Ghadikolei et al., 2021). خطمشی گذاری به صورت یک چرخه، فرآیندی را تشکیل می‌دهد که شامل چندین فعالیت و مرحله است. نظریات این مراحل را به طور کلی در سه مرحله تدوین، اجرا و ارزیابی طبقه‌بندی می‌کنند و معتقدند که اجرا مهمترین مرحله است، به نحوی که حتی برخی از آن به عنوان حلقه مفقود شده فرآیند خطمشی نام می‌برند (Laki, 2018). از نظر لاسون (۱۹۷۱) فرآیند خطمشی اساساً در مورد چگونگی اتخاذ تصمیم‌ها به وسیله خطمشی‌گذاران است. وی، مجموعه‌ای از گام‌های مشترک در هر تصمیم را مشخص کرد: شناخت یک مساله، گردآوری اطلاعات و تدوین پیشنهادها برای حل یک پیشنهاد، خاتمه احتمالی خطمشی و ارزیابی پیشنهاد. جونز، نخستین بار تلاش کرد تا فرآیند تصمیم‌های خطمشی را مدل‌سازی کند. از منظر جونز، فرآیند خطمشی می‌تواند به نحو مناسب به وسیله مجموعه بارزی از عناصر نشان داده شود. فرآیند خطمشی گذاری از یک مساله آغاز شده و با انواعی از راه‌حل‌ها با خاتمه خطمشی پایان می‌یابد. مراحل پیشنهادی لاسون و جونز، خطمشی عمومی را نوعی فرآیند تصمیم‌گیری خطی از مراحل به هم پیوند خورده مفهوم سازی می‌کند که بیشتر یک نگاه عقلانیت‌گرا را انعکاس می‌دهد

(Mahdavinejad & Yari, 2022). بر اساس مطالعات صورت گرفته فرآیند خطمشی گذاری دارای مراحل (شناخت و درک مساله عمومی، دستورکار، طراحی و شکل گیری خطمشی، اجرای خطمشی، نظارت و ارزیابی و تغییر یا خاتمه خطمشی است که البته این مراحل به هم مرتبطاند (Momeni & Ehsani, 2017). زمانی اجرای خطمشی موفقیت آمیز است که مؤسسات مجری مجبور به پیروی از احکام قانونی باشند (Cerna, 2023). نظریات مدل های مختلف خطمشی گذاری (شامل مدل عقلایی، مدل رضایت بخش، مدل تدریجی، مدل نهادی، مدل جریان ها- درپچه ها، مدل آشفته، مدل فراگردی و مدل سیستمی) را ارائه دادند. هریک از این مدل ها براساس هدف و برنامه خطمشی انتخاب می شوند (Ghadami et al., 2022).

خطمشی گذاری شفافیت، مفهومی است که به شفافیت عملکرد دولت اهمیت ویژه ای می دهد و فناوری، نوآوری را در این زمینه بسیار مفید می داند (Imawan & Fathurrahman, 2022). در واقع، موفقیت بانک ها به عنوان یک نهاد مالی و اقتصادی بستگی به نوع سیاست گذاری آنها دارد (Sharifnia et al., 2022). بخش قابل ملاحظه ای از نقش نظارتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بر وضعیت و عملکرد مالی بانک ها و مؤسسات اعتباری از طریق حسابرسی مستقل به عنوان یکی از ارکان نظارتی و بازوی اجرایی بانک مرکزی محقق می شود. لذا کیفیت رسیدگی ها و گزارش های حسابرسی و بازرسی قانونی نقش مهمی را در شفافیت مالی بانک ها و مؤسسات اعتباری ایفا می کند. با توجه به ماهیت سیستم بانکداری در ایران، عدم شفافیت اطلاعات در تخصیص منابع بانکی و تفاوت در ساختار و نوع فعالیت بانک های ایران در مقایسه با بانک های بین المللی، استفاده از مدل و شاخص های مورد استفاده توسط بانک های خارجی مطلوبیت لازم را نداشته و مناسب است الگویی داخلی با توجه به ماهیت و ساختار بانک های کشور تدوین و طراحی شود (Sattari et al., 2019).

پیشینه تحقیق

پیشینه داخلی

مهدوی نژاد و یاری (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان "عوامل موثر بر خطمشی گذاری استراتژی های کسب و کارهای فناوری محور در شرکت های صادراتی" به این نتیجه رسیدند که شرکت های دانش بنیان می توانند با استفاده از استراتژی های فناورانه در مدل کسب و کار، شناسایی بازارهای هدف جدید، استفاده از خلاقیت و دانش بروز و بهره گیری از تجربیات سایر کشورها، به روش های فناورانه در تولید محصولات جدید و گسترش صادرات این کالاها روی آورند.

شریفی‌نیا و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان "شناسایی موانع خط‌مشی گذاری جهت تخصیص منابع پولی در نظام بانکی کشور با روش دلفی" بیان کرد که مجریان خط‌مشی، ساختار قوانین و سازمان‌های اجراکننده خط‌مشی، منابع و امکانات، سیاست‌های سازمانی، سیاست‌های قانونی، فساد سیستمی، گروه‌های فشار، ذینفعان وابسته، شاخص‌های اقتصادی و فرآیندهای داخلی از آسیب‌های خط‌مشی گذاری هستند.

شریفی‌نیا (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان "عارضه‌یابی خط‌مشی گذاری تخصیص منابع در نظام بانکی دولتی کشور با روش فراترکیب" بیان کرد که ساختار نظام بانکی به تغییرات اساسی نیاز دارد؛ از این‌رو، باید ساختار جدید متناسب با اهداف تعریف شده در قانون برای سازمان، بازطراحی و نیروی انسانی و تشکیلاتی متناسب با آن جذب شود تا در بستر مناسب جدید، قوانین و سیاست‌گذاری‌ها به خوبی اجرایی شود.

محمدی و همکاران (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای با عنوان "طراحی و اعتبارسنجی مدل خط‌مشی گذاری با رویکرد دولت باز" به طراحی و اعتبارسنجی مدل خط‌مشی گذاری با رویکرد دولت باز، در آموزش عالی پرداختند. پژوهش آن‌ها با روش کیفی و کمی انجام شده است. در بخش کیفی، ۱۰ نفر از کارشناسان مدیریت دولتی دانشگاه سیستان و بلوچستان با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. در بخش کمی، داده‌ها با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری، مبتنی بر رویکرد حداقل مربعات جزئی و به کمک نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس تجزیه و تحلیل شدند. آن‌ها نتیجه گرفتند پیشنهادی‌های دولت باز در آموزش عالی عبارت‌اند از: عوامل ساختاری (فناوری اطلاعات، خط‌مشی گذاری، فنی و عملیاتی، مالی و بودجه و ساختار سازمانی)، عوامل رفتاری (رهبری و مدیریت، منابع انسانی، آموزش و عدالت سازمانی) و عوامل زمینه‌ای (اجتماعی - فرهنگی، قانونی - حقوقی، سیاسی و اطلاعاتی). آن‌ها همچنین دریافتند که پیشنهادی‌های دولت باز، بر پیاده‌سازی دولت باز تأثیر مثبت و معناداری دارد.

مطالعات خارجی

دسالین و همکاران (۲۰۲۲) نیز در مطالعه‌ای با عنوان "تأثیر سیاست پولی و سرمایه‌گذاری خصوصی بر تأمین مالی سبز" نشان دادند که سیاست پولی، همانطور که با نرخ بهره و عرضه گسترده پول اندازه‌گیری می‌شود، تأثیر متفاوتی بر سطح تأمین مالی سبز دارد.

وانگ و همکاران (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای با عنوان "قدرت بازار بانک و انتقال خط‌مشی سیاست پولی" نشان دادند که قدرت بازار بانک بخش عمده‌ای از انتقال سیاست پولی به وام‌گیرندگان را توضیح می‌دهد، با تأثیری که با تأثیر تنظیم سرمایه بانک قابل مقایسه است.

لی و وو (۲۰۲۳) در مطالعه ای با عنوان شفافیت سیاست پولی و تعدیل نرخ ارز واقعی دریافتند که جنبه اقتصادی شفافیت، تعدیل نرخ ارز واقعی را در کشورهای غیرصنعتی تسهیل می کند. نیروی محرکه این یافته این است که شفافیت اقتصادی تعدیل نرخ ارز اسمی را افزایش می دهد. با این حال، هیچ یک از ویژگی های مختلف شفافیت سیاست پولی به طور قابل توجهی بر تعدیل نرخ ارز واقعی در کشورهای صنعتی تأثیر نمی گذارد.

سرمدی و همکاران (۲۰۲۴) در مطالعه ای به دنبال رتبه بندی عوامل حیاتی موفقیت مدیریت دانش در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد ترکیبی از تکنیک های کمی و کیفی بودند. برای این منظور، آن ها در مرحله کیفی، از روش متاستز، و در مرحله کمی از روش مبتنی بر رویکرد سلسله مراتبی فازی استفاده کردند. نمونه آن ها ۲۰ نفر از متخصصان حوزه های علم اطلاعات و همچنین متخصصان با تجربه در مدیریت دانش و مدیران بانکی بود. یافته آن ها نشان داد که منابع انسانی با وزن ۰/۱۷۳ در رتبه دوم، تحصیلات با وزن ۰/۱۵۷ در رتبه سوم، ساختار سازمانی با وزن ۰/۱۳۵ در رتبه چهارم، فناوری زیرساخت با وزن ۰/۱۲۴ در رتبه پنجم، ارزشیابی و سنجش دانش با وزن ۰/۱۰۳ در رتبه ششم و فرهنگ سازمانی با وزن ۰/۰۹۵ در رتبه هفتم قرار دارد.

در نهایت بررسی پژوهش های انجام شده نشان می دهد در اغلب تحقیقات انجام شده در داخل کشور و خارج از کشور معمولاً اعتبارسنجی مدل خط مشی گذاری شفافیت تخصیص منابع بانکی ایران صورت پذیرفته است. بنابراین توجه به این موضوع در نظام بانکی ایران ضروری به نظر می رسد. به این ترتیب، سوال اساسی که در این پژوهش دنبال می شود، این است که مدل خط مشی گذاری شفافیت تخصیص منابع بانکی ایران با تمرکز بر شرکت های دانش بنیان چیست؟

روش شناسی

طراحی پرسشنامه

هدف این مطالعه، اعتبارسنجی مدل خط مشی گذاری شفافیت تخصیص منابع بانکی ایران با تمرکز بر شرکت های دانش بنیان است. از اینرو، روش تحقیق توصیفی و از نوع پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه مدیران شرکت های دانش بنیان خراسان رضوی به تعداد ۴۵۷ نفر می باشند که با استفاده از جدول مورگان تعداد ۲۱۰ نفر با روش تصادفی طبقه ای به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار تحقیق شامل پرسشنامه محقق ساخته می باشد که شامل شش مقوله و ۱۵ مولفه با ۱۳۰ سوال است. مقوله عوامل علی شامل ۳ مولفه استقلال اقتصادی، استقلال سیاسی، استقلال قانونی، مقوله محوری (شفافیت تخصیص منابع)

شامل ۲ مولفه اثربخشی در کیفیت اطلاعات و اثربخشی در دسترسی به اطلاعات، مقوله استراتژی‌ها شامل ۴ مولفه نظارت پویا، استفاده از سامانه‌های پایه و کاربردی، تخصیص شفاف مبتنی بر دارایی و سرمایه‌گذاری و تخصیص منابع شفاف مبتنی بر بدهی جایگزین و مقوله پیامدها شامل ۲ مولفه شکوفایی اقتصاد دانش‌محور و توسعه اشتغال، مقوله زمینه خدمات شامل ۲ مولفه سیاست‌های حمایتی و اقتصاد دانش بنیان و در نهایت مقوله مداخله‌گرها شامل ۲ مولفه چالش‌های پیاده‌سازی خط‌مشی گذاری و چالش‌های شرکت‌های دانش بنیان است. جهت روایی یا اعتبارسنجی مدل روایی صوری توسط اساتید و متخصصان همچنین تحلیل عاملی تاییدی اخذ شد و جهت پایایی نیز با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ^۱، ضریب پایایی هر مقوله در کلیه مولفه‌ها بالای ۷۰ صدم بود، لذا می‌توان گفت که پرسشنامه از اعتبار بالا و قابل قبولی برخوردار است و نشان‌دهنده قابلیت اعتماد بالای مؤلفه‌های مورد بررسی می‌باشد.

روش پژوهش

در این مطالعه، برای تحلیل داده‌ها و تحلیل‌های تعقیبی از رویکرد PLS استفاده شده است. حداقل مربعات جزئی^۲ (PLS) یک روش ناپارامتریک است که برای اعتبارسنجی یک مدل با بررسی همزمان نقش متغیرهای پنهان و آشکار استفاده می‌شود. رگرسیون حداقل مربعات جزئی (PLS) یک روش رگرسیون سریع، کارآمد و بهینه بر اساس کوواریانس است و معمولاً هنگامی استفاده می‌شود که متغیرهای توضیحی زیادی که احتمالاً با یکدیگر همبسته هستند، در مطالعه وجود دارند. روش حداقل مربعات جزئی به حجم نمونه حساسیت کمتری دارد و نیازی به نرمال بودن داده‌ها ندارد. در رویکرد مذکور، همانند مدل معادلات ساختاری دو مفهوم متغیر پنهان و متغیر مشاهده‌پذیر دارد. متغیرهای پنهان همان عامل‌های اصلی یا سازه‌ها هستند که معمولاً با دایره نمایش داده می‌شوند. این متغیرها می‌توانند مستقل یا وابسته باشند. متغیرهای مشاهده‌پذیر همان گویه‌ها یا سوالات پرسشنامه هستند که معمولاً با مستطیل نمایش داده می‌شوند.

یافته‌ها

در این مطالعه، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق، از روش دو مرحله‌ای برای الگویابی به روش حداقل مربعات جزئی استفاده شده است. مرحله اول، شامل تعیین مدل اندازه‌گیری از طریق پایایی و روایی است و مرحله دوم، شامل تعیین مدل ساختاری از طریق تحلیل شاخص‌های برازندگی، ضرایب تعیین و تحلیل مسیر است. در مرحله اول از برآورد روایی و پایایی به منظور بررسی مدل اندازه‌گیری استفاده

¹ Cronbach's alpha

² Partial Least Squares

می‌شود که روش‌های تأییدی هماهنگی داده‌ها با یک ساختار عاملی معین را بررسی می‌نمایند. در واقع، تحلیل عاملی، تأیید شایستگی گویه‌هایی که برای معرفی متغیرها برگزیده شده‌اند را بررسی می‌کند. در مرحله دوم، از تحلیل مسیر شاخص‌های برازش مدل و ضریب تعیین جهت بررسی مدل ساختاری استفاده می‌شود. از آنجا که مدل اندازه‌گیری تحقیق از نوع انعکاسی می‌باشد، آزمون‌ها برای تحقیق، انعکاسی انتخاب می‌شوند. مطابق با مطالعات هیر (۲۰۱۰) پیش از انجام هر آزمونی در مدل‌های اندازه‌گیری انعکاسی، باید آزمون همگن بودن به جهت تک بعدی کردن سئوالات یک متغیر انجام شود. پیش از مدلسازی معادله ساختاری به منظور آزمون فرضیات تحقیق، لازم است اعتبار ابزار سنجش پژوهش از طریق تکنیک تحلیل عاملی تأییدی، تأیید شود. نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای گویه‌های پرسشنامه در جدول ۱، ارائه شده است.

جدول ۱: نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای گویه‌های پرسشنامه

مقوله	مولفه	گویه	کشیدگی	چولگی	بارعاملی	آماره
شرایط علی	استقلال اقتصادی	P1	۰/۵۵۹	۳/۰۴۱	۰/۳۰۰	۱/۰۶۱
		P2	۰/۴۵۴	۴/۳۲۵	۱۰/۳۴۹	-۲/۵۲۵
		P3	۰/۵۵۰	۳/۲۳۹	-۱/۹۳۷	-۰/۳۵۲
		P4	۰/۶۳۶	۵/۴۲۵	۳/۳۶۶	-۱/۳۴۱
		P5	۰/۶۸۶	۳/۴۷۰	۱/۰۴۶	-۰/۸۷۹
		P6	۰/۷۳۸	۲/۴۰۹	۱/۸۳۶	-۱/۰۴۴
		P7	۰/۶۴۷	۶/۴۳۹	-۱/۸۸۴	-۰/۴۱۸
		P8	۰/۶۳۵	۵/۴۸۲	۵/۹۳۵	-۲/۱۸۰
		P9	۰/۵۰۵	۳/۳۹۹	-۰/۷۲۱	-۰/۷۵۱
		P10	۰/۵۹۱	۵/۱۳۵	-۱/۳۰۶	۰/۱۶۲
		P11	۰/۵۷۲	۲/۱۰۱	-۱/۶۴۶	۰/۰۸۰
		P12	۰/۶۳۱	۷/۳۲۶	-۰/۷۴۰	۰/۸۳۴
		P13	۰/۴۱۷	۶/۲۵۳	۵/۹۷۱	-۲/۳۹۷
		P14	۰/۷۱۸	۵/۴۲۹	۶/۹۱۲	-۲/۲۸۰
		P15	۰/۵۹۹	۶/۴۰۲	۵/۱۹۱	-۲/۲۳۹
		P16	۰/۶۳۶	۹/۳۹۸	-۱/۳۱۴	-۰/۸۵۳
	استقلال سیاسی	P17	۰/۶۷۵	۵/۶۹۵	۴/۳۴۶	-۱/۶۳۸
		P18	۰/۸۱۴	۳/۴۷۱	۲/۵۰۹	-۱/۶۵۹

مقوله	مؤلفه	گروه	کشیدگی	چولگی	بارعاملی	آماره
		P19	۰/۷۲۱	۳/۸۳۱	۲/۰۷۷	-۱/۵۴۰
		P20	۰/۵۳۳	۲/۸۴۹	۲/۱۲۲	۱/۶۶۱
		P21	۰/۶۲۲	۳/۷۵۱	۴/۰۵۶	-۱/۵۵۸
		P22	۰/۴۱۲	۲/۳۵۳	۶/۲۵۱	-۲/۴۱۴
		P23	۰/۶۷۳	۳/۸۲۰	۰/۷۹۱	-۱/۳۰۵
		P24	۰/۵۳۳	۳/۵۴۵	-۱/۴۴۹	۰/۵۳۰
		P25	۰/۸۷۲	۴/۵۴۶	۲/۱۲۱	-۱/۵۱۰
		P26	۰/۸۸۸	۴/۵۶۳	۴/۷۵۱	-۱/۹۰۸
		P27	۰/۸۶۰	۴/۵۵۸	۲/۳۴۴	-۱/۴۷۱
		P28	۰/۹۱۰	۴/۶۱۴	۳/۷۰۵	-۱/۸۳۳
	استقلال قانونی	P29	۰/۸۴۷	۴/۵۲۶	۳/۶۵۳	-۱/۶۱۵
		P30	۰/۸۱۴	۷/۷۹۹	۰/۵۳۰	-۱/۰۸۹
		P31	۰/۸۰۲	۷/۴۱۰	-۱/۸۸۴	-۰/۴۱۸
		P32	۰/۷۴۱	۷/۰۷۷	۳/۶۵۳	-۱/۶۱۵
		P33	۰/۶۳۶	۵/۵۶۵	۱/۳۷۹	-۱/۴۹۳
		P34	۰/۷۷۳	۷/۵۳۵	۲/۶۵۳	-۱/۴۴۴
		P35	۰/۶۱۹	۵/۳۵۱	۱۲/۶۹۹	-۲/۹۵۴
		P36	۰/۷۹۹	۷/۰۲۱	۵/۷۹۶	-۲/۱۰۸
		P37	۰/۷۶۰	۶/۷۴۴	۴/۳۴۶	-۱/۶۳۸
		P38	۰/۷۳۳	۶/۱۸۱	۱۲/۱۳۲	-۲/۸۵۷
مقوله محوری شفافیت تخصیص منابع	اثربخشی در کیفیت اطلاعات	P39	۰/۷۷۲	۶/۷۱۳	۱/۶۵۶	-۱/۴۳۸
		P40	۰/۸۱۵	۶/۸۸۶	۱/۳۷۹	-۱/۴۹۳
		P41	۰/۶۴۲	۴/۹۳۹	۲/۲۶۹	-۱/۷۶۴
		P42	۰/۸۰۹	۱۵/۲۳۰	۱/۲۶۹	-۱/۴۷۱
		P43	۰/۹۰۱	۲۲/۵۹۲	۲/۴۲۹	-۱/۶۱۸
		P44	۰/۸۱۳	۱۱/۴۴۵	۲/۲۳۷	-۱/۷۴۵
		P45	۰/۸۴۵	۱۵/۰۸۹	۱/۴۶۵	-۱/۵۹۱
		P46	۰/۹۲۶	۴۲/۶۶۳	۴/۱۶۵	-۱/۹۳۵
		P47	۰/۸۷۰	۲۳/۹۸۹	۳/۵۴۷	-۱/۸۶۵

مقوله	مؤلفه	گوبه	کشیدگی	چولگی	بارعاملی	آماره
		P48	۰/۸۷۵	۲۲/۳۴۶	۴/۷۵۱	-۱/۹۰۸
		P49	۰/۷۶۱	۸/۵۶۵	۴/۷۶۴	-۲/۰۴۴
		P50	۰/۷۵۷	۱۰/۹۴۸	۰/۷۱۲	-۱/۳۴۶
		P51	۰/۸۸۶	۲۲/۸۹۲	۳/۵۵۸	-۱/۸۵۹
		P52	۰/۸۶۶	۲۷/۶۹۸	۱/۴۹۷	-۱/۵۹۳
	اثربخشی در دسترسی به اطلاعات	P53	۰/۹۵۳	۴۶/۹۰۶	۲/۰۱۶	-۱/۶۹۹
		P54	۰/۷۸۵	۱۰/۸۷۱	۶/۳۷۱	-۲/۲۵۹
		P55	۰/۹۳۹	۵۷/۴۰۲	۱/۷۴۱	-۱/۶۲۹
		P56	۰/۹۴۲	۵۹/۲۳۴	۰/۹۸۹	-۱/۴۶۰
		P57	۰/۹۰۲	۲۲/۳۳۸	۲/۰۱۷	-۱/۶۸۰
		P58	۰/۸۵۹	۱۵/۳۳۲	۲/۲۶۹	-۱/۷۶۴
استراتژی	استراتژی نظارت پویا	P59	۰/۹۳۳	۵۴/۸۰۷	۳/۱۲۶	-۱/۸۳۴
		P60	۰/۹۲۳	۴۸/۸۶۹	۲/۰۷۱	-۱/۷۶۲
		P61	۰/۸۹۲	۲۹/۸۹۶	۱/۲۵۳	-۱/۴۹۹
		P62	۰/۸۵۳	۸/۳۲۰	۳/۲۳۳	-۱/۹۲۹
	استراتژی استفاده از سامانه‌های پایه و کاربردی	P63	۰/۸۸۷	۳۰/۲۵۷	۱/۵۷۵	-۱/۵۰۲
		P64	۰/۸۸۹	۲۴/۹۵۹	۰/۷۹۱	-۱/۳۰۵
		P65	۰/۹۱۱	۳۸/۵۱۱	۰/۲۷۰	-۱/۲۵۲
		P66	۰/۸۶۵	۱۹/۲۶۹	۲/۱۵۹	-۱/۶۲۵
		P67	۰/۸۷۹	۱۶/۰۷۴	۰/۷۹۱	-۱/۳۰۵
		P68	۰/۷۲۴	۷/۰۹۲	۳/۱۱۷	-۱/۹۴۵
		P69	۰/۷۳۴	۶/۹۴۵	۱/۸۹۰	-۱/۶۶۷
		P70	۰/۷۷۵	۱۲/۴۷۷	۲/۳۶	-۱/۶۹۲
	تخصیص شفاف مبتنی بر دارایی و سرمایه‌گذاری	P71	۰/۸۳۰	۱۳/۳۴۴	۱/۹۷۵	-۱/۵۶
		P72	۰/۹۲۷	۳۶/۷۷۴	۱/۸۰۸	-۱/۴۹۸
		P73	۰/۹۴۵	۶۱/۸۴۸	۰/۹۷۲	-۱/۳۳۵
		P74	۰/۸۳۵	۷/۷۶۷	۲/۱۸۵	-۱/۴۸۸
		P75	۰/۹۰۷	۳۶/۳۳۳	۱/۱۰۱	-۱/۴۲۱
		P76	۰/۹۲۴	۳۰/۶۶۷	۰/۶۸۳	-۱/۲۸۳

مقوله	مؤلفه	گوبه	کشیدگی	چولگی	بارعاملی	آماره
		P77	۰/۷۲۸	۸/۴۲۴	۰/۶۰۹	-۱/۲۴۱
		P78	۰/۸۶۹	۲۳/۱۲۵	۱/۹۰۶	-۱/۴۱۲
		P79	۰/۷۹۳	۷/۲۳۷	۱/۹۳۵	-۱/۴۴۲
	تخصیص منابع شفاف مبتنی بر بدهی جایگزین	P80	۰/۹۳۷	۷۴/۷۰۹	۰/۶۴۲	-۱/۲۱۸
		P81	۰/۸۸۹	۲۸/۰۲۰	۰/۸۴۲	-۱/۳۸۷
		P82	۰/۹۲۶	۳۶/۹۲۶	۱/۰۳۳	-۱/۲۰۷
		P83	۰/۲۱۹	۱/۴۶۳	۱/۳۱۲	-۰/۷۰۶
		P84	۰/۸۷۱	۲۱/۷۱۷	۰/۳۳۵	-۰/۹۱۸
پیامدها	شکوفایی اقتصاد دانش‌محور	P85	۰/۷۲۶	۱۰/۶۰۸	-۰/۵۳۲	-۰/۶۹۲
		P86	۰/۷۹۵	۱۰/۵۷۲	۰/۱۶۶	-۱/۱۴۹
		P87	۰/۸۷۳	۱۸/۴۹۸	-۰/۰۶۰	-۱/۰۶۳
		P88	۰/۸۱۸	۱۶/۳۸۳	۱/۵۱۸	-۱/۳۸۰
		P89	۰/۹۰۳	۳۸/۵۱۷	۱/۶۵۶	-۱/۴۳۸
		P90	۰/۸۴۸	۲۲/۳۹۳	-۰/۳۹۳	-۱/۰۵۵
		P91	۰/۸۲۴	۱۴/۵۴۸	۱/۵۲۳	-۱/۵۸۶
		P92	۰/۸۱۰	۱۱/۸۵۶	۱/۳۷۹	-۱/۴۹۳
	توسعه اشتغال	P93	۰/۹۱۱	۲۵/۱۱۱	۲/۱۳۳	-۱/۷۰۳
		P94	۰/۹۲۰	۲۸/۱۶۹	۲/۶۹۰	-۱/۸۷۴
		P95	۰/۸۸۰	۲۰/۶۶۶	۲/۱۳۳	-۱/۷۰۳
		P96	۰/۸۲۷	۱۰/۷۷۴	۱/۳۷۹	-۱/۴۹۳
		P97	۰/۸۹۳	۲۵/۸۳	۲/۸۷۲	-۱/۷۵۹
		P98	۰/۸۶۱	۱۹/۳۰۶	۰/۷۵۶	-۱/۴۰۷
		P99	۰/۹۱۴	۱۹/۰۳۱	۱/۱۲۹	-۱/۴۹۸
		P100	۰/۸۴۲	۱۷/۸۴۵	۲/۶۹۰	-۱/۸۷۴
زمینه	سیاست‌های حمایتی	P101	۰/۸۷۵	۲۰/۵۸۱	۲/۶۲۴	-۱/۶۸۸
		P102	۰/۹۲۰	۳۸/۹۶۵	۱/۱۸۵	-۱/۴۱۰
		P103	۰/۹۰۷	۲۷/۳۲۵	۱/۳۶۲	-۱/۵۰۲
		P104	۰/۹۰۰	۳۳/۱۶۳	۲/۳۸۴	-۱/۶۱۶
		P105	۰/۸۱۲	۱۲/۶۴۰	۰/۴۳۵	-۱/۲۴۶

مقوله	مؤلفه	گویه	کشیدگی	چونگی	بارعاملی	آماره
	اقتصاد دانش بنیان	P106	۰/۸۷۹	۲۱/۷۴۴	۳/۳۵۵	-۲/۰۵۳
		P107	۰/۹۲۴	۳۱/۹۰۰	۲/۷۹۲	-۱/۸۴۷
		P108	۰/۹۱۹	۲۳/۲۴۸	۴/۰۴۶	-۲/۰۸۲
		P109	۰/۹۴۵	۳۵/۴۲۰	۴/۰۴۶	-۲/۰۸۲
		P110	۰/۸۷۶	۲۰/۴۸۸	۵/۲۸۵	-۲/۲۷۷
مداخله گر ها	چالش های پیاده سازی خط مشی گذاری	P111	۰/۸۱۳	۱۰/۵۳۰	۳/۱۱۷	-۱/۹۴۵
		P112	۰/۷۹۵	۹/۵۳۵	۱/۳۷۱	-۱/۵۸۰
		P113	۰/۸۶۹	۱۳/۶۷۵	۲/۳۱۱	-۱/۷۶۰
		P114	۰/۸۱۴	۱۱/۰۵۸	۰/۵۷۸	-۱/۳۳۷
		P115	۰/۸۳۴	۱۰/۲۳۹	۰/۷۹۲	-۱/۳۳۷
		P116	۰/۸۹۸	۳۰/۳۳۰	۲/۵۴۲	-۱/۷۶۷
		P117	۰/۸۷۶	۲۳/۵۱۲	۲/۲۱۱	-۱/۶۵۲
		P118	۰/۸۹۳	۲۲/۱۰۴	۰/۷۵۶	-۱/۴۰۷
		P119	۰/۸۳۶	۱۹/۶۸۱	۴/۸۴۵	-۲/۱۷۷
		P120	۰/۶۷۹	۶/۴۴۷	۹/۸۹۷	-۲/۹۲۷
	چالش های شرکت های دانش بنیان	P121	۰/۷۲۳	۶/۷۰۸	۷/۴۴۲	-۲/۵۲۸
		P122	۰/۸۸۹	۱۸/۶۶۱	۴/۸۴۵	-۲/۱۷۷
		P123	۰/۷۶۵	۸/۷۶۰	۴/۸۵۷	-۲/۲۱۸
		P124	۰/۸۱۲	۱۰/۲۱۸	۴/۷۲۲	-۲/۱۷۶
		P125	۰/۸۷۸	۲۶/۵۶۷	۲/۳۶۰	-۱/۶۹۲
		P126	۰/۸۵۷	۱۱/۶۶۳	۶/۳۱۲	-۲/۴۹۶
		P127	۰/۹۲۳	۳۰/۳۱۲	۱/۵۶۴	-۱/۵۶۳
		P128	۰/۹۰۲	۲۸/۵۶۶	۵/۲۸۵	-۲/۲۷۷
		P129	۰/۸۸۶	۲۳/۵۲۶	۴/۰۸۶	-۱/۹۹۲
		P130	۰/۸۰۷	۱۵/۶۷۸	۱/۱۲۹	-۱/۴۹۸

منبع: یافته های پژوهش

در مدل تحلیل عاملی برازش یافته، بار عاملی تمامی سوالات در پیش بینی گویه های مربوطه در سطح اطمینان ۰/۹۵ دارای تفاوت معنادار با صفر بود. لذا در این مرحله هیچ یک از سوالات مذکور حذف نمی شوند و از ادامه فرآیند کنار گذاشته نمی شوند. همچنین مدل پژوهش با توجه به شاخص های

اندازه‌گیری‌کننده‌ی متغیرها باید در نمونه‌های دیگری از همان جامعه نیز برآوردهای مشابهی را ارائه دهد. بنابراین در مدل اندازه‌گیری انعکاسی اصلاح شده، آزمون‌های متفاوتی برای پایایی مدل انجام می‌گیرد. آزمون آلفای کرونباخ، همبستگی درونی سؤالات یک متغیر خارج از مدل و ضریب پایایی ترکیبی، همبستگی درونی سؤالات یک متغیر را داخل مدل نشان می‌دهد. در ادامه، نتایج آزمون آلفای کرونباخ و ضریب پایایی ترکیبی در جدول ۲، ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج پایایی بدست آمده برای مدل تحقیق

ردیف	مؤلفه‌های تحقیق	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی
۱	استقلال اقتصادی	۰/۷۷۵	۰/۷۱۸
۲	استقلال سیاسی بانک مرکزی	۰/۸۷۲	۰/۹۰۴
۳	استقلال قانونی	۰/۹۲۷	۰/۹۳۷
۴	اثربخشی در دسترسی به اطلاعات	۰/۹۵۲	۰/۹۶۲
۵	اثربخشی در کیفیت اطلاعات	۰/۹۶۰	۰/۹۶۶
۶	استراتژی استفاده از سامانه‌های پایه و کاربردی	۰/۹۳۸	۰/۹۴۹
۷	استراتژی نظارت پویا	۰/۹۲۲	۰/۹۴۵
۸	تخصیص شفاف مبتنی بر دارایی و سرمایه‌گذاری	۰/۹۵۷	۰/۹۶۴
۹	تخصیص منابع شفاف مبتنی بر بدهی جایگزین	۰/۸۴۱	۰/۸۹۹
۱۰	توسعه اشتغال	۰/۹۵۹	۰/۹۶۵
۱۱	شکوفایی اقتصاد دانش‌محور	۰/۹۳۳	۰/۹۴۵
۱۲	اقتصاد دانش بنیان	۰/۹۴۷	۰/۹۶۰
۱۳	سیاست‌های حمایتی	۰/۹۲۹	۰/۹۴۷
۱۴	چالش‌های پیاده‌سازی خط‌مشی گذاری	۰/۹۵۲	۰/۹۵۸
۱۵	چالش‌های شرکت‌های دانش بنیان	۰/۹۵۵	۰/۹۶۲

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد آلفای کرونباخ همه متغیرهای تحقیق از ۰/۷ بیشتر است. از آنجایی که مطابق با نظر فورنل و لارکر (۱۹۸۶) ضریب آلفای کرونباخ باید بالای ۰/۷ باشد. بنابراین نتایج جدول بالا بیانگر این است که این شرط رعایت شده است. در ادامه به منظور تناسب و اعتباربخشی الگوی مورد نظر، لازم است از روایی همگرا و واگرا و یا همان وجوه اعتبار افتراقی آن‌ها اطمینان کسب کرد که میزان همبستگی بین هر دو مورد از آن‌ها به صورت دو به دو، کمتر از عدد ۰/۹ است. براساس آن عدم همپوشانی بین ابعاد متغیرهای تحقیق در قالب اعتبار افتراقی نیز تایید می‌شود. در نتیجه، اعتبار سازه مدل مورد تایید واقع

می‌شود. این آزمون توسط هنسler و همکاران (۲۰۰۹) برای روایی همگرا پیشنهاد شد و بیان شد که در هر متغیر AVE باید بزرگتر از ۰/۵ باشد. جدول ۳، نتایج آزمون میانگین واریانس استخراجی را نشان می‌دهد.

جدول ۳: نتایج آزمون میانگین واریانس استخراجی

ردیف	مولفه‌های تحقیق	آزمون میانگین واریانس استخراجی
۱	استقلال اقتصادی	۰/۵۱۸
۲	استقلال سیاسی بانک مرکزی	۰/۵۱۱
۳	استقلال قانونی	۰/۵۵۵
۴	اثربخشی در دسترسی به اطلاعات	۰/۸۰۸
۵	اثربخشی در کیفیت اطلاعات	۰/۷۱۹
۶	استراتژی استفاده از سامانه‌های پایه و کاربردی	۰/۶۹۹
۷	استراتژی نظارت پویا	۰/۸۱۱
۸	تخصیص شفاف مبتنی بر دارایی و سرمایه‌گذاری	۰/۷۴۸
۹	تخصیص منابع شفاف مبتنی بر بدهی جایگزین	۰/۶۶۷
۱۰	توسعه اشتغال	۰/۷۷۷
۱۱	شکوفایی اقتصاد دانش‌محور	۰/۶۸۳
۱۲	اقتصاد دانش بنیان	۰/۸۲۷
۱۳	سیاست‌های حمایتی	۰/۷۸۱
۱۴	چالش‌های پیاده‌سازی خط‌مشی‌گذاری	۰/۶۷۸
۱۵	چالش‌های شرکت‌های دانش بنیان	۰/۷۳۸

منبع: یافته‌های پژوهش

هنسler و همکاران (۲۰۰۹) بیان کردند که علاوه بر سئوالات هر متغیر نسبت به هر متغیر دیگر، خود متغیرها نیز باید نسبت به هم واگرایی داشته باشند (یعنی عدم وجود هم‌خطی یا همبستگی بحرانی). از اینرو، در جدول چهار، همبستگی بین متغیرهای مکنون به جای اعداد یک روی قطر اصلی، جذر AVE گذاشته شده است. جذر AVE هر متغیر از همبستگی آن متغیر با متغیرهای دیگر باید بیشتر باشد. جدول ۴، نتایج آزمون فورنل و لارکر را نشان می‌دهد.

جدول ۴: نتایج آزمون فورنل و لارکر

استقلال قانونی	استقلال سیاسی	استقلال اقتصادی
۰/۸۱۵	۰/۷۸۴	۰/۸۶۴
	استقلال سیاسی بانک مرکزی	استقلال اقتصادی

۰/۸۴۵		۰/۸۳۸		۰/۶۶۸		استقلال قانونی	
اثربخشی در کیفیت اطلاعات		اثربخشی در دسترسی به اطلاعات					
۰/۹۰۱		۰/۸۴۸		۰/۸۹۹		اثربخشی در دسترسی به اطلاعات	
تخصیص منابع		تخصیص شفاف		استراتژی نظارت		استراتژی استفاده از سامانه‌های پایه و کاربردی	
شفاف مبتنی بر بدهی جایگزین		مبتنی بر دارایی و سرمایه‌گذاری		پویا			
						۰/۸۵۶	
		۰/۹۰۱		۰/۸۳۶		استراتژی نظارت پویا	
۰/۹۰۰		۰/۸۵۳		۰/۸۲۱		تخصیص شفاف مبتنی بر دارایی و سرمایه‌گذاری	
۰/۸۶۵		۰/۸۱۶		۰/۷۷۷		۰/۷۹۳	
						تخصیص منابع شفاف مبتنی بر بدهی جایگزین	
شکوفایی اقتصاد دانش‌محور		توسعه اشتغال					
		۰/۸۸۲				توسعه اشتغال	
۰/۸۲۶		۰/۸۶۱				شکوفایی اقتصاد دانش‌محور	
سیاست‌های حمایتی		اقتصاد دانش بنیان					
		۰/۹۰۹				اقتصاد دانش بنیان	
۰/۸۸۴		۰/۸۰۸				سیاست‌های حمایتی	
چالش‌های شرکت‌های دانش بنیان		چالش‌های پیاده‌سازی خط‌مشی‌گذاری					
		۰/۸۲۳				چالش‌های پیاده‌سازی خط‌مشی‌گذاری	
۰/۸۵۹		۰/۷۸۴				چالش‌های شرکت‌های دانش بنیان	

منبع: یافته‌های پژوهش

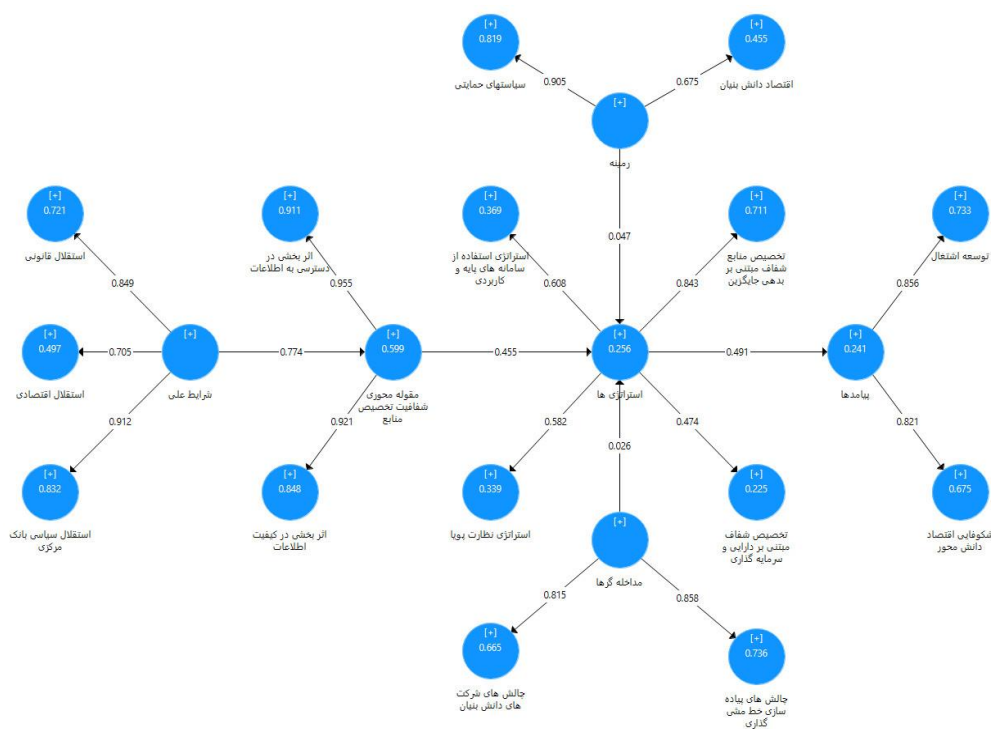
از آنجایی که PLS شاخص‌های برازش قابل اطمینانی ندارد به جای سنجش برازش، معمولاً در مطالعات، کیفیت مدل بررسی می‌شود. این آزمون اینکه آیا سؤالات هر متغیر با کیفیت مناسبی متغیرها را اندازه می‌گیرد، بررسی می‌شود. برای انجام این آزمون از آزمون روایی متقاطع شاخص اشتراکی استفاده می‌شود. آزمون روایی متقاطع شاخص اشتراکی با سه عدد ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ سنجیده می‌شود. نتایج آزمون روایی متقاطع شاخص اشتراکی در جدول ۵، ارائه شده است.

جدول ۵: نتایج آزمون روایی متقاطع شاخص اشتراکی

	SSO	SSE	$Q^2 (=1-SSE/SSO)$
استقلال اقتصادی	۱۰۷۲/۰۰	۸۳۰/۷۶۱	۰/۲۲۵
استقلال سیاسی بانک مرکزی	۸۷۱	۵۰۵/۷۰۳	۰/۴۱۹
استقلال قانونی	۸۰۴	۴۲۵/۴۹	۰/۴۶۶
اثربخشی در دسترسی به اطلاعات	۴۰۲	۱۲۸/۳۷	۰/۶۸۱
اثربخشی در کیفیت اطلاعات	۷۳۷	۲۸۰/۶۷۷	۰/۶۱۹
استراتژی استفاده از سامانه‌های پایه و کاربردی	۵۳۶	۲۲۸/۷۳۵	۰/۵۷۳
استراتژی نظارت پویا	۲۶۸	۹۸/۹۶۲	۰/۶۳۱
تخصیص شفاف مبتنی بر دارایی و سرمایه‌گذاری	۶۰۳	۲۱۸/۶۶۴	۰/۶۳۹
تخصیص منابع شفاف مبتنی بر بدهی جایگزین	۳۳۵	۱۶۴/۶۸۲	۰/۵۰۸
توسعه اشتغال	۵۳۶	۴۰۴/۱۹۰	۰/۶۴۵
شکوفایی اقتصاد دانش‌محور	۵۳۶	۳۴۶/۲۴۲	۰/۵۴۸
اقتصاد دانش بنیان	۳۳۵	۱۰۹/۹۷۲	۰/۶۷۲
سیاست‌های حمایتی	۳۳۵	۱۲۶/۱۴۸	۰/۶۲۳
چالش‌های پیاده‌سازی خط‌مشی‌گذاری	۷۳۷	۳۰۶/۳	۰/۵۸۴
چالش‌های شرکت‌های دانش بنیان	۶۰۳	۲۲۳/۶۱۷	۰/۶۲۹

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج جدول ۵، نشان می‌دهد که کیفیت مدل اندازه‌گیری برای تک تک متغیرها در حد متوسط و قوی است. در ادامه، تاثیر متغیرهای بخش کمی به صورت نمودار (۱) ارائه شده است.



نمودار (۱): تاثیر متغیرهای کمی تحقیق. منبع: یافته‌های پژوهش

در ادامه، آماره‌ی t به صورت نمودار (۲) ارائه شده است.



جدول (۶): نتایج آزمون‌های نیکویی برازش مدل

نتایج شاخص‌های برازش نیکویی در جدول (۶) مدل نشان می‌دهند که مدل مورد مطالعه از برازش کافی برخوردار است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

بخش بانکداری و خدمات مالی ایران در مقایسه با استانداردهای جهانی، توسعه نیافته باقی مانده است. سال‌ها تحریم، از توسعه شرکت‌های دانش بنیان و به کارگیری سرمایه و تخصص این شرکت‌ها در بازار ایران ممانعت کرده است. کمبود نظام منسجم تصمیم‌گیری و خطمشی‌گذاری، موجب بروز پیامدهایی در جامعه شده است. از اینرو، با توجه به اینکه آینده سازمان‌ها به سیاست‌های دولت‌ها بستگی دارد، به ویژه اینکه بانک‌ها کاملاً با سیاست‌ها و خطمشی‌های دولتی هم‌راستا هستند. بنابراین، برای دستیابی به مدل مناسب خطمشی‌گذاری، ارائه یک مدل خطمشی‌گذاری بومی که بتواند ضمن علمی بودن، پاسخ‌گوی نیازهای نظام بانکی کشور بوده و برنامه‌ریزی متناسب با آن داشته باشد، ضروری به نظر می‌رسد. از طرفی، خطمشی‌گذاری از ضروریات‌های جامعه است و تدوین خطمشی، بیانگر نقش و اهمیت آن در بهبود زندگی اجتماعی و تغییر در الگوهای رفتاری است. بعلاوه، در نظام بانکی ایران، چرخه خطمشی‌گذاری به سرعت تدوین، اجرا و ارزشیابی می‌شود. از اینرو، نوآوری پژوهش حاضر این است که تاکنون به نظام بانکی در بخش دولتی، به طور جداگانه در حوزه خطمشی‌های تخصیص منابع پولی، نگاه آسیب شناسانه‌ای نشده است. بنابراین هدف این مطالعه، ارائه و اعتبارسنجی مدل خطمشی‌گذاری شفافیت تخصیص منابع بانکی با تمرکز بر شرکت‌های دانش بنیان می‌باشد. برای این منظور، ۲۱۰ نفر نمونه براساس نمونه‌گیری تصادفی از بین ۴۵۷ نفر از مدیران شرکت‌های دانش بنیان خراسان رضوی انتخاب شدند. استراتژی تحقیق پیمایشی و روش پژوهش کمی است. ابزار تحقیق شامل پرسشنامه محقق‌ساخته با ۱۳۰ گویه می‌باشد. برای تحلیل داده‌ها از رویکرد حداقل مربعات جزئی و نرم‌افزار پی‌ال‌اس استفاده شد. یافته‌های تحقیق در الگوی مورد نظر شامل ۶ مقوله عوامل علی، محوری، استراتژی‌ها، پیامدها، زمینه و مداخله‌گرها و ۱۵ مولفه استقلال اقتصادی، سیاسی، قانونی، اثربخشی در کیفیت اطلاعات و اثربخشی در دسترسی به اطلاعات، نظارت پویا، استفاده از سامانه‌های پایه و کاربردی، تخصیص شفاف مبتنی بر دارایی و سرمایه‌گذاری، تخصیص منابع شفاف مبتنی بر بدهی جایگزین، شکوفایی اقتصاد دانش‌محور، توسعه اشتغال، سیاست‌های حمایتی اقتصاد دانش بنیان، چالش‌های پیاده‌سازی خطمشی‌گذاری و چالش‌های شرکت‌های دانش بنیان می‌باشد. نتایج برآورد رگرسیون رابطه مثبت و معنادار بین مولفه‌های (استقلال اقتصادی، سیاسی، قانونی، اثربخشی در کیفیت اطلاعات و اثربخشی در دسترسی به اطلاعات، نظارت پویا، استفاده از سامانه‌های پایه و کاربردی، تخصیص شفاف مبتنی بر دارایی و سرمایه‌گذاری، تخصیص منابع شفاف مبتنی بر بدهی جایگزین، شکوفایی اقتصاد دانش‌محور، توسعه اشتغال، سیاست‌های حمایتی اقتصاد دانش بنیان) و خطمشی‌گذاری شفافیت تخصیص منابع به شرکت‌های دانش بنیان را نشان داد. نتایج تاکید

می‌کنند که برای خط‌مشی گذاری شفافیت تخصیص منابع بانکی ایران به صورت منحصر بفرد کلیه مقوله‌ها و مولفه‌های بدست آمده نقش به سزایی در شفافیت تخصیص منابع بانکی در نظام بانکی ایران دارند.

نتایج حاصل از این پژوهش با برخی از تحقیقات داخلی همسو است. شریفی‌نیا و همکاران (۲۰۲۲) نشان داد که ساختار نظام بانکی به تغییرات اساسی نیاز دارد. قدمی و همکاران (۲۰۲۲) نشان داد که الگوی مناسب باید شامل ضرورت‌ها و دلایل، درون‌داده‌ها، بازیگران، عوامل موثر بر روابط هم‌افزا و پیامدهای خط‌مشی گذاری شبکه‌ای در بانکداری دیجیتال باشد. مهدوی‌نژاد و یاری (۲۰۲۲) دریافتند که شرکت‌های دانش بنیان می‌توانند با استفاده از استراتژی‌های فناورانه در مدل کسب و کار، شناسایی بازارهای هدف جدید، استفاده از خلاقیت و دانش به روز و بهره‌گیری از تجربیات سایر کشورها، به روش‌های فناورانه در تولید محصولات جدید و گسترش صادرات کمک کنند. برومند و همکاران (۲۰۲۲) نشان دادند برای پیاده‌سازی خط‌مشی‌های سازمانی باید شرایط علی، مولفه مداخله‌گر، مولفه راهبردها، مولفه شرایط زمینه‌ای و مولفه پیامدها با زیرمولفه توسعه سازمانی شرکت‌های دانش بنیان مبتنی بر سرمایه خصوصی و دانش تخصصی افراد در تصمیم‌گیری مدیریتی، دخیل باشند. دوستی و خانی (۲۰۲۲) نیز دریافتند که شرکت‌های دانش بنیان می‌توانند با چرخش هوشمندانه در مدل کسب و کار، بحران کرونا را تبدیل به فرصتی برای رشد شرکت تبدیل نمایند. امیری و همکاران (۲۰۲۱) نشان دادند سهم نظام بانکی از مجموع تامین مالی اقتصاد ایران به طور متوسط ۹۰ درصد بوده است. عباسی و همکاران (۲۰۲۰) مهم‌ترین راهکارهای تخصیص عادلانه منابع را تقویت نظارت فنی و بهبود استقلال بانک مرکزی، بهبود و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات و گسترش فین‌تک‌ها، کاهش تصدی‌گری نهادهای دولتی دانستند. منوریان و همکاران (۲۰۲۰) پنج مدل آشفته، سیستمی، فرآیندی، سیگنال‌های ضعیف و نظریه بازی‌ها با توجه به معیارهایی مانند عدم قطعیت، عدم جامعیت موضوع، عدم یکپارچگی بازیگران، رویکرد خارج به داخل برای خط‌مشی گذاری مناسب‌تر است. منوریان و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند خط‌مشی گذاری کنونی ایران ناکارآمد بوده و تعدادی عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر در این پدیده ناکارآمدی دخیل بوده و منجر به بروز مکانیزم‌ها و پیامدهایی برای نظام بانکی ایران شده است. آندری و همکاران (۲۰۲۰) یک رابطه مثبت و معنادار بین شفافیت بانک مرکزی و مشارکت موسسات مالی با ریسک سیستماتیک دریافتند. بعلاوه، آن‌ها نتیجه گرفتند که افزایش شفافیت بانک مرکزی به طور قابل توجهی ریسک خاص

بانک‌ها را کاهش می‌دهد. دیا و ون‌هوز (۲۰۱۷) نشان دادند که خط‌مشی گذاری سبب بهبود و رونق صنعت بانکداری و توسعه اقتصاد کلان می‌شود.

پیشنهادهای سیاستی

در نهایت با توجه به یافته‌های ارائه شده در جهت مدل خط‌مشی گذاری شفافیت تخصیص منابع بانکی ایران، پیشنهادهای ارائه می‌شود:

- با توجه به یافته‌های مدل، پیشنهاد می‌شود سیاست‌های خط‌مشی گذاری شفافیت تخصیص منابع بانکی در نظام بانکی تدوین شده، پیش از ابلاغ، به افکارسنجی و نظرسنجی از برخی گروه‌های ذینفع گذاشته شود و شرایط برای ابراز نظر جسورانه و مستقل نیز فراهم شود. علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود یک خط‌مشی حوزه شفافیت تخصیص منابع بانکی، پس از تدوین ابتدا به صورت آزمایشی در چند شرکت دانش بنیان ابلاغ و اجرایی شود و سپس پس از رفع اشکالات احتمالی اولیه، به کل شرکت‌ها و بانک‌ها تسری یابد.

- در نظام بانکی کنونی کشور، نهادی که به صورت مشخص مسئول خط‌مشی گذاری در حوزه شفافیت تخصیص منابع در حوزه شرکت‌های دانش بنیان بوده و مسئولیت راهبری متمرکز این حوزه را با استفاده از یک چارچوب ویژه خط‌مشی گذاری به عهده داشته باشد، وجود ندارد. با توجه به برآیند مصاحبه‌ها به نظر می‌رسد خبرگان نظام بانکی بر روی بانک مرکزی در جهت ایفای این نقش محوری اجماع دارند.

- در نظام کنونی بانکی کشور خط‌مشی‌هایی که قصد پیاده‌سازی آن‌ها در عرصه بانکداری کشور وجود دارد کاملاً دستوری هستند. در این راستا خط‌مشی گذاری اقدام به سلب برخی اختیارات بانک‌ها در یک سری از حوزه‌های ماموریتی در بخش دانش بنیان‌ها نموده و خلاقیت را از بانک‌ها می‌گیرد. از این رو تغییر از رویکرد دستوری به رویکرد تعاملی مبتنی بر مشارکت شبکه ذینفعان حوزه بانکداری دانش بنیان امری کاملاً ضروری است.

این پژوهش در اجرا دارای محدودیت‌هایی نیز بوده است. متغیرهای مزاحم نظیر فرهنگ جامعه و سازمان‌های دخیل موجود شاید اعتبار و روایی نتایج این پژوهش را با مخاطره مواجه کرده باشند. همچنین عدم برداشت یکسان از برخی شاخص‌های مدل خط‌مشی گذاری شفافیت تخصیص منابع بانکی در نظام بانکی ایران و دشواری در جلب همکاری اعضای جامعه به دلیل حجم زیاد از محدودیت این پژوهش به شمار می‌رود. در پایان، به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که با انجام تحقیقات مشابه با استفاده از یک نمونه بزرگتر در سایر صنایع کشور، برای تقویت قابلیت تعمیم و ایجاد اعتبار برای یافته‌ها اقدام نمایند. همچنین با بومی کردن مدل و شاخص‌های مدل خط‌مشی گذاری شفافیت تخصیص منابع بانکی در نظام بانکی ایران را توسعه بخشند.

Abbasi, H.; Mousavian, S. A., & Talebi, M. (2020). Requirements for fair and equitable allocation of resources. *Islamic Economics*, 20(77), 61-90. (In Persian).

Abdo Tabrizi, H.; Tehrani, R.; Imam Verdi, Gh.; Fallahpour, S., & Baghani, A. (2022). Assessing the Transparency of Selected Private Banks' Information Based on Risk Criteria (Value at Risk). *The Financial Accounting and Auditing Researches*, 14(55), 1-22. SID. <https://sid.ir/paper/1053108/en>. (In Persian).

Amarasinghe, K.; Rodolfa, K. T.; Lamba, H., & Ghani, R. (2023). Explainable machine learning for public policy: Use cases, gaps, and research directions. *Data & Policy*, 5(5).

Amiri, F.; Gourani, Z., & Ashourzadeh Hosseini, M. (2021). Structural challenges of commercial and monetary policies in Iran's economy and presenting a model of the comprehensive policy-making process. *Ormazd Research Journal*, 54(2), 68-74. (In Persian).

Andries, A. M.; Nistor, S., & Sprincean, N. (2020). The impact of central bank transparency on systemic risk—Evidence from Central and Eastern Europe. *Research in International Business and Finance*, 51, 100921

Azizi, M., & Malayjerdi, M. (2017). Social Entrepreneurship Financing Methods. *Financial Research Journal*, 19(1), 119-138. (In Persian).

Boromand, S.; Hakak, M.; Sepahvand, R., & Esmaeili, M. (2022). Presenting a policy-making model for knowledge-based companies with an approach to measuring organizational courage. *General policy-making in management*. (In Persian).

Bayati, M.; Sayadi, S.; Gyuki, I.; Selajaqeh, S., Nikpour, A. (2021). Identifying the obstacles to the implementation of public policies in the central bank's deputy supervision group using the meta-composite method. *Public Policy in Management*, 12(3), 31-46. (In Persian).

Beblavý, M.; Sičáková-Beblavá, E., & Bačová, B. (2022). A Conceptual Framework for Understanding and Measuring the Transparency of Public Policy. *Sociologia*, 54(2).

Cerna, L. (2023). The nature of policy change and implementation: A review of different theoretical Approaches. Organisation for economic co-operation and development.

Dadgar, Y.; Yazdani, M., & Khoeini, P. (2019). Investigating and identifying variables affecting the realization of the economics of students in Iran and selected countries on the horizon of 2050. *Journal of Iranian Economic Issues*, 6(1), 101-120. (In Persian).

Daraei Ghadikolei, M.; Mahdizadeh Ashrafi, A.; Mojibi Mikalaei, T., & Haj Alian, F. (2021). Present a conceptual framework of factors affecting the development of entrepreneurial policies in Bank Sepah. *Public Management Researches*, 13(50), 231-256. (In Persian).

Desalegn, G.; Fekete-Farkas, M., & Tangl, A. (2022). The effect of monetary policy and private investment on green finance: evidence from Hungary. *Journal of Risk and Financial Management*, 15(3), 117.

Dergiades, T.; Milas, C.; Mossialos, E., & Panagiotidis, T. (2022). Effectiveness of government policies in response to the first COVID-19 outbreak. *PLOS Global Public Health*, 2(4), e0000242.

Dia, E., & VanHoose, D. (2017). Banking in macroeconomic theory and policy. *Journal of Macroeconomics*, 54, 149-160

Dosti Shrodani, E., & Khani, N. (2022). Designing a resilience policy model for knowledge-based businesses in the era of Corona. *Public Policy in Management*, 13(46), 153-165. (In Persian).

Efunniyi, C. P.; Abhulimen, A. O.; Obiki-Osafiele, A. N.; Osundare, O. S.; Agu, E. E., & Adeniran, I. A. (2024). Strengthening corporate governance and financial compliance: Enhancing accountability and transparency. *Finance & Accounting Research Journal*, 6(8), 1597-1616.

Ehsani, M.; Farzinvas, A.; Elahi, N., & Izadi, R. (2019). Derivation of Optimal Central Bank Transparency for Minimizing the Financial Market Volatility: A Case Study of the Selected States of Organization of Islamic Cooperation. *The Journal of Economic Studies and Policies*, 6(1), 3-28. (In Persian).

Fahiminia, A. (2022). Investigating and identifying the components of the knowledge-based economy. *Horizons of Human Sciences*, 67(6), 13-24. <https://civilica.com/doc/1882714>. (In Persian).

Fartash, K.; Barmaki, T.; Saremi, M. S., & Sadabadi, A. A. (2022). the growth challenges of pioneer KBFs of ICT. *Journal of Science and Technology Policy*, 15(3), 41-54. (In Persian).

Fotoohi, A. (2024). Exploring challenges in iran's knowledge-based ict firms: implications for educational technologies. DeReMa (Development Research of Management): *Jurnal Manajemen*, 19(2), 162-174.

Fornell, C., & Larcker, D. (1981); "Evaluating Structural Equation Modeling with Unobserved Variables and Measurement Error"; *Journal of Marketing Research*, 18(1), 39-50.

Ghadami, M.; Mousakhani, M.; Alwani, S. M., & Yazdani, H. (2022). Developing a Model for Policy Making in Digital Banking, Based on Network Approach. *Iranian Journal of Public Policy*, 8(1), 125-141. (In Persian).

Ghasemi, M.; Faghihi, M., & Alizadeh, P. (2018). Requirements to Achieve a Knowledge-Based Economy at Macro Level: Analysis of Legal Framework in Iran and Some Policy Recommendations. *Economics Research*, 18(68), 99-152. (In Persian).

Ghazinoori, S.; Bamdad Soofi, J., & Radaei, N. (2017). A Framework for Selecting Financing Instruments Based on Knowledge-Based Firms Clustering. *Journal of Science and Technology Policy*, 10(2), 13-30. (In Persian).

Haji Asghari, S.; Mirabi, V.; Mehrmanesh, H., & Fallah Shams, M. (2018). Providing a model for financing knowledge-based companies through financial crowdsourcing in the Bank of Agriculture. *Financial knowledge of securities analysis*, 12(41), 243-256. (In Persian).

Henseler, J.; Ringle, C. M.; Sinkovics, R. (2009). The use of partial least squares path modeling in international marketing. *Advances in International Marketing* 20. 277-319.

Imawan, A. P., & Fathurrahman, R. (2022). Open Government Data in Pandemic Disease: Encouraging Spatial Policy-Making in East Java and Jakarta. *GEMA PUBLICA*, 7(2), 237-260.

Hossein, S.; Delkhosh-Abatari, S. K., & Akhavan, P. (2021). The state of Iran's economy based on Knowledge-based economy- Resistive economy. *Interdisciplinary Studies on Strategic Knowledge*, 5(17), 101-130. (In Persian).

Kashian, A. M., & Bayat, B. (2019). Determining the priorities for supporting knowledge-based companies in Iran based on the pathology of the current situation. *Development Strategy Journal*, 15(2), 80-107. (In Persian).

Kheradyar, S.; Khidmatgozar, H.; Vaziri, A., & Bayani, M. (2019). Optimization of financial resource allocation using the Banker model by neural network (Case study: Tejarat Bank of Gilan Province). *Scientific Journal of Modern Research Approaches in Management and Accounting*, 3(10), 37-52. (In Persian).

Lai, Z. H., & Wu, J. L. (2023). Monetary policy transparency and real exchange rate adjustment. *Review of International Economics*, 31(3), 1173-1198.

Laki, B. (2018). Investigating the shortcomings of policy formulation and implementation in Iranian organizations, *New Research Approaches in Management and Accounting*, 5, 98-109. (In Persian).

Mahdavinejad, S., & Yari, S. (2022). Factors affecting policy-making of technology-based business strategies in export companies. *General Policy-Making in Management*, 13(48), 101-112. (In Persian).

Mohammadi, Z.; Imani, A., & Ahang, F. (2024). Design and Validation of Policy Making Model with Open Government Approach. *Journal of Public Administration*, 16(2), 339-376. (In Persian).

Momeni, F., & Ehsani, V. (2017). Public policy for a knowledge economy. *Strategic Studies of public policy*, 7(23), 209-235. (In Persian).

Monavvarian, A.; Divandari, A.; Yaghoubi, S., & Sepanloo, H. (2020). The Development of a Policymaking Framework for Electronic Banking. *Organizational Culture Management*, 18(3), 403-423. (In Persian).

Naghizadeh, R.; Hajari, M., & basavand, S. (2018). Identifying The Dimensions and Causes of Decline in Satisfaction of Knowledge-Based Companies in Collaboration with The Fund's from The Perspective of Executives and Policy Makers: A Case Study of Innovation and Prosperity Fund. *Innovation Management Journal*, 7(2), 92-120. (In Persian).

Nesello, P., & Fachinelli, A. C. (2020). Towards a knowledge-based development framework for the manufacturing industry: insights from Brazilian companies. *International Journal of Knowledge-Based Development*, 11(4), 338-356.

Roodari, J.; Zayandehroody, M., & mahrabi, H. (2018). Investigating the Role of the Components of the Knowledge-Based Economy in Iran Present Situation and the Vision Plan Countries Using Multiple- Group Discriminant Analysis and K-Mean Differentiation Analysis. *Industrial Management Journal*, 10(3), 481-501. (In Persian).

Safardoust, A., Pourghasem, M., Salami, R. (2021). Presenting a model to examine the role of intellectual and social capital in the components of the knowledge-based economy in Iran. *Journal of Human Capital Empowerment*, 5(1), 33-56. (In Persian).

Sarmadi, A., Hassanzadeh, M., & Babalahavaeji, F. (2024). Ranking of the Critical Success Factors of Knowledge Management in the Central Bank of

the Islamic Republic of Iran. *International Journal of Knowledge Processing Studies (KPS)*, 4(4), 38-57. (In Persian).

Sattari, O.; Yavari, K., & Heydari, H. (2019). Determinants of monetary policy transparency in selected Middle East countries. *The Journal of Economic Policy*, 11(21), 55-76. (In Persian).

Sharifnia, M. M.; Mirsepaassi, N.; Faghihi, A. (2022). Explaining and prioritizing the Pathology of Formulation and Implementation of Monetary Resources Policies and Its Allocation in The Country's Banking System. *mieaoi*, 11(40), 291-316. (In Persian).

sharifnia, M. M. (2023). Identification of Complications in Resource Allocation Policy in the Governmental Banking System through a Meta-synthesis Method. *Quarterly Studies in Banking Management and Islamic Banking*, 9(22), 43-67. (In Persian).

Sulastri, R.; Janssen, M.; Van de Poel, I., & Ding, A. (2024). Transforming towards inclusion-by-design: Information system design principles shaping data-driven financial inclusiveness. *Government Information Quarterly*, 41(4), 101979.

Suliamany, A., & Rezvani, M. (2023). Translocal relations as the missing link of knowledge-based economy development policies. *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*, 11(43), 561-578. (In Persian).

Wang, Y.; Whited, T. M.; Wu, Y., & Xiao, K. (2022). Bank market power and monetary policy transmission: Evidence from a structural estimation. *The Journal of Finance*, 77(4), 2093-2141.

Weber, C. S. (2019). The effect of central bank transparency on exchange rate volatility. *Journal of International Money and Finance*, 95: 165-181

Weible, Ch.; Nohrstedt, D.; Cairney, P.; Carter, D.; Crow, D., & Durnova, A. (2020). COVID-19 and the policy sciences: Initial reactions and perspectives, *Nature Public Health Emergency Collection*, 18(1), 1-17.